

# درباره دانش پژوه



گفتنی است که دانش پژوه در تمام سفرهای داخلی و خارجی خود یگانه همش بر آن بوده است که به مجموعه‌های نسخ خطی دست بیابد و به فهرست برداری آنها پردازد. بی دلیل نیست که مستشرقان شوروی گفته‌اند که دانش پژوه در قبال سؤال تنظیم کنندگان برنامه سفر خود در شوروی، گفته بوده است که من فقط سه چیز می‌خواهم

مربوط به تحقیقات ایرانی و اسلامی پرداخته‌اند. اما متأسفانه فقط چند نفر معدود توانسته‌اند که نتایج و ثمرات مطالعات خود را در زمینه‌هایی که مورد تخصص آنان بوده است به مرتبه‌ای و میزانی برسانند که مورد استفاده دانشمندان آن رشته‌ها در جهان قرار بگیرد؛ یعنی بدان حد که دانشمندان مغرب به نوشته‌ها و آثار آنان استناد کنند. در این میان دانش پژوه یکی از افرادی است که به سبب خدمات بسیار و با ارزش و متنوعش مخصوصاً از لحاظ کارهایی که در زمینه نسخه‌شناسی و کتابشناسی انجام داده است بدین مقام و منزلت جهانی رسیده است و محققان غربی به تألیفات و فهرس او توجه کرده‌اند و آثار او را از مصادر کار خویش قرار داده‌اند. جهانی بودن خدمات دانش پژوه یکی از میزات برجسته زندگی علمی اوست. لذا تفصیل بیشتری را درخورست و احتیاج به ارایه شواهدی چند دارد.

برهمه روشن است که یک دسته از منابع اصلی تحقیقات اسلامی و ایرانی، فهرس و کتابشناسی‌هایی است که راهنمای دست یافتن محققان بر نسخ و اسناد خطی است.

این نوع از مدارک «تازه یافته» است که معمولاً محقق را به عرضه کردن مطالب جدید و کشف دقیق «مجهول مانده» موفق می‌سازد. دانش پژوه

## دوستان گرامی

هرچه درباره دانش پژوه بگویم حمل بر آن می‌شود که بیش از بیست و پنج سال است از سرچشمه محبت و دوستی او متمتع بوده‌ام و سعادت آن داشته‌ام که در مکتب فضل و دانش او تلمذ و کسب فیض کنم؛ گذشته از این که سالیانی دراز در کنار هم و در یک راه خدمتگزار بوده‌ایم. همین مراتب است که به من اجازه شرف حضور در این مجلس داده است تا شمه‌ای از اطلاعات خود را درباره او بی‌تعارف و مجامله و به طور خودمانی بیان کنم.

اما، به هیچ وجه قصد آن ندارم که فهرست تألیفات و کارهای متنوع دانش پژوه را بخوانم. فهرست سیصد عنوانی آثار ماندگارش ضمن سرگذشتی که در مجله راهنمای کتاب چندی پیش درج شد به چاپ رسیده است<sup>۱</sup> و علاقه‌مندان می‌توانند خود به دقت در آن بنگرند و بر ژرفا و پهنای فضل و کمال او مطلع شوند. سعی من در اینجا بر آن منحصر می‌شود که گوشه‌هایی از روحیات علمی او را بنمایانم.

تحقیقات ایرانی و اسلامی به روش علمی و مفهوم جدید آن در میان ما ایرانیان سابقه‌ای نزدیک به شصت سال دارد. در این مدت عده‌ای که به دوستان نفر می‌رسد به مباحث مختلف

## ○ ایرج افشار

استاد ایرج افشار دوست دیرین استاد دانش پژوه است که همدوش وی در کارهای کتابشناسی فعالیت داشته و سالیان درازی با استاد همدم بوده است و کوله‌باری از خاطرات آن روزگار را به دوش می‌کشد. از ایشان اجازه خواستیم تا سخنرانی‌شان را درباره این شخصیت که در مراسم نکوداشت ایشان در سال ۱۳۵۵ ایراد شده است چاپ کنیم که استاد با رویی گشاده پذیرا شدند.

دل دریا برمی‌خیزد و جواهر آبدار و خرف بی‌بها را هم‌آغوش یکدیگر به کنار می‌آورد. در این میان دانش‌پژوه هم ناگزیر از معرفی آثار سعدی و ابن سینا و ملاقطب و خواجه نصیر همراه با آثار معمولی اشخاصی بوده است که مقامی والا در علم نیافته‌اند. اما اینکه گاه به گاه (و بیشتر از سر شوخی) از زبان دوستان می‌شنویم که دانش‌پژوه با معرفی آثار افراد ناشناخته اتلاف وقت کرده است، سخنی جز شوخی و طنز دوستانه نیست. وظیفه علمی او همان بوده است که کرده است؛ یعنی کلیه نسخ موجود در یک مجموعه یا یک کتابخانه را بشناساند. ضمناً اگر در چنین کاری که متضمن صرف وقت و تحمل و حوصله بیش از اندازه است بر سلیقه خویش رفته است و نحوه بیان و شیوه زبان خود را به کار گرفته حق مسلم اوست. جز این باید گفت که دانش‌پژوه اصولاً به استعمال لغاتی اعتقاد دارد که در متون قدیم به کار گرفته است؛ اگر چه به کار بردن آن لغات در بیان و زبان امروزی مهجور بماند. می‌گوید با استعمال مجدد آنها، زبان ملی غنی می‌شود و لغات کهنه و فراموش شده، زندگی از سر می‌گیرند.

خصوصیت عالی دیگری که در دانش‌پژوه یافته‌ام شوق و ولع علمی اوست که گاه به حد هیجان و برآشفتنگی می‌رسد و چنان حالی به راستی توصیف‌ناشدنی است. شوق بیش از اندازه او به کشف تازه‌ها و حقایق علمی موجب آن شده است که حتی به سنتهای خانوادگی و تربیت‌طلبی پایبند نماند؛ تا به حدی که قسمت زیادی از تحقیقات خود را به تألیف فهرست کتب موسیقی معطوف کرده و کتابی پرداخته است که از امهات کارهای او و از مراجع جهانی در زمینه موسیقی اسلامی است. کاری کرده است که بی‌تردید برترست از آنچه فارمر، علامه موسیقی‌شناسی اسلامی انجام داده است. بی دلیل نیست که نوبائتر آلمانی در مقاله مفصل و عالمانه خود درباره موسیقی بومی و سنتی ایران که چند سال پیش در مجله بسیار مشهور و معتبر *Der Islam* نشر کرد نوشت که قسمتی از پیشرفت خود را در تهیه مقاله‌اش مرهون اطلاعات دانش‌پژوه بوده است.

شوق دانش‌پژوه به یافتن و دیدن نسخه‌های

حتی راهنماییه‌های شفاهی او شده است گواهی است روشنتر بر این نکته.

دانش‌پژوه در تهیه فهرس خود، برخلاف اکثر فهرست‌نویسان شرقی و علی‌الخصوص ایرانی سعی کرده است که فهرس و مراجع مغربی یعنی آثار شرق‌شناسان و آن هم در اکثر زبانها را ببیند و به دیده نقد بدانها بنگرد. بدان مقدار که با آوردن اختصارات مربوط بدان مراجع و ارجاع دادن به منابع متعدد گاه هم موجبات ملال مراجعه‌کننده کم‌حوصله و شرقی‌مآب را فراهم ساخته است.

خصوصیت دیگر فهرستهای دانش‌پژوه آن است که او در معرفی نسخه‌ها از معرفی متن و تحقیق در احوال مؤلف و سنجش و بیان احتمالات غافل نمانده است؛ ولو آنکه مجبور شده باشد که چندین صفحه مطلب درباره نسخه‌ای اختصاص دهد که از حد یک فهرست معمولی خارج باشد. بعضی از آگاهان این کار او را بسیار می‌پسندند و بعضی از خرده‌گیران هم نمی‌پسندند.

اگر تاکنون در تاریخ کتابشناسی اسلامی تألیفات ابن‌الدیم و حاجی خلیفه و شیخ‌آقابزرگ تهرانی از مآخذ اصلی و اولی بود، اینک فهرستهایی که دانش‌پژوه از نسخه‌های خطی و میکروفیلیمها منتشر کرده است در کنار آن آثار برای همیشه و به طور زوال‌ناپذیر مرجع مسلم در تحقیقات اسلامی و ایرانی خواهد بود.

جز این باید دانست که هیچ‌یک از فهرست‌نویسان مبرز و استاد غربی هم، چون دخویه و فلوجل و پرچ واته و رزن و بلوشه و درن و دسلان و دیگران نتوانسته است که به اندازه دانش‌پژوه نسخه دیده و فهرست نشر کرده باشد. پس فهرستهای دانش‌پژوه از حیث احتواء بر معرفی عده‌ای زیاد از نسخ خطی و مخصوصاً نسخ ناشناخته مکمل فهرسی است که آن دانشمندان نشر کرده‌اند؛ و بسیاری ناگفته‌ها و نادیده‌ها را که از چشم و اطلاع آن دانشمندان به دور مانده است، او گفته است. نادره‌ها و تازه‌هایی در سراسر فهرس دانش‌پژوه آمده است که از حد و روش معمولی فهرست‌نویسی خطی اسلامی در گذشته است.

ناگفته‌یاداست که کار فهرست‌نویس در معرفی مجموعه‌ای از نسخ خطی بمانند موجی است که از

در میان مشرقیان همان یک‌هفته‌تازه‌ای است که در این زمینه خاص و تازه، مجموعه‌ای از فهرس مربوط به بیست و پنج کتابخانه ایران و چهل و چند کتابخانه ممالک دیگر (امریکا، اتحاد جماهیر شوروی، هندوستان، پاکستان، افغانستان، ترکیه، فرانسه، انگلیس، هلند، عربستان سعودی) و ده مجموعه خصوصی مهم را تألیف و نشر کرده است؛ به نحوی که این فهرس معرف حدود پنجاه هزار نسخه خطی است. تردید نیست که معرفی هر یک از این نسخ محتاج دیدن عین نسخه و دقت در مطالب آن نسخه‌ها براساس اطلاع وسیع در معارف اسلامی بوده است و چنین سترگ کاری کار هر کس نیست.<sup>۱</sup> گفتنی است که دانش‌پژوه در تمام سفرهای داخلی و خارجی خود یگانه همش بر آن بوده است که به مجموعه‌های نسخ خطی دست بیابد و به فهرست‌برداری آنها بپردازد. بی دلیل نیست که مستشرقان شوروی گفته‌اند که دانش‌پژوه در قبال سؤال تنظیم‌کنندگان برنامه سفر خود در شوروی، گفته بوده است که من فقط سه چیز می‌خواهم. کتابخانه، مسجد و گورستان (البته روشن است که از باب ثبت و ضبط کتابه‌های قبور قدیم).

نتیجه کار بزرگ و نادرالمثال دانش‌پژوه آن است که فؤاد سرگین در تألیف معتبر و مهم خود به نام *der Arabischen Schrifttums Geschichte* و نیز بریگل در تحریر روسی کتابشناسی مشهور *Bibliographical Survey Persian* استوری، عالم فقید انگلیسی، از فهرس دانش‌پژوه استفاده شایان کرده‌اند.

آنچنان که بی‌تردید می‌توان گفت که اگر بیست و چند جلد فهرست دانش‌پژوه نبود، آن دو تألیف به کمال وضع موجود نرسیده بود.

مجموعه فهرستهای دانش‌پژوه منبع بزرگ و از مراجع اساسی اخذ اطلاعات کتابشناسی اسلامی برای تمام کسانی بوده است که در طول بیست سال اخیر در ایران و خارج از ایران به تحقیق در مباحث مختلف مربوط به فرهنگ ایران و اسلام پرداخته‌اند.

ارجاعاتی که در مقدمه‌ها و مراجع و مصادر کتب منتشر شده در این مدت به آثار دانش‌پژوه و



خصوصیت عالی دیگری که  
در دانش پژوه یافته‌ام شوق و  
ولع علمی اوست که گاه به  
حد هیجان و برآشفتگی  
می‌رسد، چنان حالی که به  
راستی توصیف ناشدنی است

حضور داشتند من یادداشت مجعول را خواندم. دانش پژوه آرام آرام خود را از روی مبل که بر آن لمیده بود بر لبه آن کشانید و همچون کسی که شیء بسیار گرانبهائی را فراموش کرده و در محلی به جای گذارده باشد گفت: حالا که من با شما نبودم، فردا صبح هم در جلسات شرکت نمی‌کنم و اتومبیل می‌گیرم و به بیسیون می‌روم تا نسخه را ببینم. تا عصر هم می‌مانم و ترجمه‌های فارسی را می‌نویسم. البته یغمایی هم آن یادداشت را گرفت که چاپ کند! نقل این قصه که سراپا شوخی است و نظایرش میان دوستان یکدل می‌گذرد، از این باب بود که فریفتگی دانش پژوه را به کاری که در پیش گرفته بنمایانم و بگویم که این عشق و شور لایزال چندان است که او را از تمام عوالم دنیایی به دور داشته است و همچون عاشق صادق فقط محبوب یکتای خود را می‌بیند و می‌جوید.

بد نیست قضیه‌ای را که باز شوخی است و همین یک ماه قبل در لندن اتفاق افتاد عرض کنم. دانش پژوه کتابی خرید که بهای آن هشت پوند بود. پس دربهای آن یک بیست پوندی به فروشنده داد و می‌بایست دوازده پوند بگیرد. فروشنده بدون توجه هشت پوند به دانش پژوه داد. دانش پژوه در شوق و وصول کتاب متوجه کم بودن پول نشد. مینوی که رو به روی دانش پژوه نشست بود ناراحت شد و گفت: دانش، چرا اشتباه می‌کنی تو باید دوازده پوند بگیری! درین گیر و دار احمد اقتداری که پهلوی دانش پژوه بود گفت: آقای مینوی چرا برآشفتته می‌شوید؟ می‌دانید علت این اشتباه از کجاست؟ از

ترتیب سفری به پیربکران و مسجد بیسیون که دور از شهر اصفهان است داده شده بود. پس از بازدید پیربکران، دانش پژوه به اتفاق محیط طباطبائی به منزل یکی از فضلا رفت تا ظاهراً کتب خطی ببیند. لذا از قافله جدا شد و از دیدن مسجد بیسیون محروم ماند.

جمعی که به سوی مسجد جامع بیسیون می‌رفتیم و از نبودن دانش پژوه دلتنگ بودیم، گفتیم حالا که او ما را رها کرده و به دیدن نسخ خطی و ادامهٔ مفاوضات علمی رفته است ما هم نسخه‌ای قدیمی می‌سازیم و خبرش را برای او می‌بریم و دلش را می‌سوزانیم! پس به کمک عبدالامیر سلیم و احمد تفضلی برای آیاتی از قرآن کریم ترجمه‌ای به شیوه و اسلوب تفسیر طبری، یعنی با به کار گرفتن لغات کهن که دانش پژوه آنها را می‌پسندید و هرگاه که یکی از آنها را در کهنه کتابی می‌یابد به لهجهٔ قدیم و بلند عنوان می‌کند پرداخته شد. وصف اوراق نسخهٔ خیالی را چنین نوشتیم که سی و پنج ورق از قرآن مترجم کهن به خط کوفی درشت خوش بر روی کاغذ سمرقندی کلفت و موربانه خورده که علائم جزء و حزب و سجواندیه‌های آن تذهیب شده و ترجمهٔ فارسی قدیم به خط نسخ ابتدایی در بین السطور دارد در انبار مسجد بیسیون دیده شد. نسخه به خط ابی البرکات عبدالرحمن بن عثمان بن عوف بیسیونی و مورخ شهر شعبان عشرين و اربعمائه است. شب هنگام که منزل آقای سیدمحمدعلی روضاتی مهمان بودیم و محیط طباطبائی، حبیب یغمایی و تنی چند از دوستان

نادیده و حالتی که در این مواقع بدو دست می‌دهد و صف ناشدنی است؛ مگر آنکه درموقعی که او به نسخه‌ای جدید می‌رسد به چهره‌اش و طرز نگاهش خیره شویم. عباس زریاب خوبی که اقوالش ثقه است، گفت: در سفری که با حسین محبوبی اردکانی و حسین خدیوچم و دانش پژوه به منظور شرکت در مجمع بررسی مربوط به نسخ خطی به کابل رفته بودیم، چون برای رفتن از فرودگاه به شهر در تاکسی نشستیم و سر صحبت با رانندهٔ همزبان باز شد، دانش پژوه وسط صحبت پرید و از راننده پرسید که در کابل کجا کتاب خطی می‌فروشند؟ دانش پژوه که اول بار بود به گوشه‌ای از سرزمین غزنویان سفر می‌کرد به یاد ایامی که در هر یک از بلاد خراسان علما و دانشمندان به وفور بودند و کتابخانه‌های مدارس دایر بود و در بازار وراقان خرید و فروش کتب خطی رواج داشت، تصور می‌کرد که هنوز هم نسخهٔ خطی در شهری چون کابل متاعی است بازاری و به آسانی در دسترس است، تا بدان حد که رانندهٔ تاکسی هم می‌داند که کتاب خطی در کدام محله فروخته می‌شود!

مورد دیگر که جز شوخی صرف نیست ولی حکایت تام و روشنی است از شوق و آتش درونی دانش پژوه و خلوص باطنی او در راه کار بسیار با ارجی که نقد عمر را بدان باخته است، قصهٔ یافتن چند ورق از قرآن مجید به خط ابی البرکات عبدالرحمن بن عثمان بن عوف بیسیونی است و آن حکایت از این قرار است که به هنگام کنگرهٔ تحقیقات ایرانی که در اصفهان تشکیل شده بود

این باب است که اسکناسها چاپی است نه خطی! اما مثالی دارم که با گوشه‌ای از تاریخ دانشگاه ما مرتبط است و آن مربوط به درهم ریختن کتابخانه دانشکده حقوق است و گواهی است روشنتر از آنچه عرض شد از عشق و علاقه دانش‌پژوه به کتابخانه‌ای که در تشکیل و ترتیب آن مدت بیست و چند سال از عمر خود را در آنجا صرف کرد و از همان ذخیره بود که اندوخته‌هایی از فرهنگ غربی فراگرفت.

قضیه از این قرار بود که در سال ۱۳۴۹ مسئول وقت دانشکده حقوق دستوری به تعویض روش کتابخانه داد؛ ولی عجلانه ترتیب کتابخانه‌ای را که به تدریج با خون دل و اعتبارات اندک و با دشواریهای روزگاران از سال ۱۳۲۳ به بعد تهیه شده بود (و تعداد کتبش با مرارتها نزدیک به نود هزار جلد رسانیده شده بود و کتابخانه‌ای بود که مجموعه کتب مربوط به ایرانش کم‌نظیر بود و کتابخانه‌هایی نظیر کتابخانه محمدعلی فروغی و علی‌اکبر داور و دیگران در آن نگاهداری می‌شد) درهم ریختند؛ چنان که در ظرف چند روز «تو گویی فرامرز هرگز نبود»!

دانش‌پژوه وقتی خبر شد که چنین شده است مانند آن کسی که شنیده باشد سفینه بیش بهای متاعش در دریا غرق شده است آشفته و هراسان پیش من آمد و گفت: فلانی، چه نسنسته‌ای که کتابخانه حقوق را ویران کردند و آنچه رشته بودیم پنبه شد! چندان عصبانی بود و جوش می‌زد که به راستی بر حال مزاجی او نگران بودم.

«من خود به چشم خویشتن دیدم که جانش می‌رود!» چون کمی آرام گرفت، گفتم: پس خبر نداری که شنیده‌ام گفته‌اند کتب خطی به درد دانشکده حقوق نمی‌خورد و از اموالی است که زائد است و می‌توان فروخت! دانش‌پژوه برافروخته‌تر شد و گفت: اگر قصور کنی، تو هم گناهکاری! در آن ایام جار و جنجال دانش‌پژوه میان اغلب دانشگاہیان شهرت گرفت و روزی نبود که جوش نخورد و همکاران را برنینگیزد. البته بیداردلی دکتر عالیخانی و دکتر احمد ضیایی موجب شد که پس از اطلاع یافتن از آن کار ناصواب موجبات توقف آن هجوم فراهم آمد و کتابها به همان حال آشفته در انبار ماند تا عاقبت کتابهای غیرمرتبط با دانشکده حقوق به اهتمام مدیران دکتر نهانوندی و لطف اولیای بعدی دانشکده حقوق و همکاری کتابخانه آنجا نجات یافت. مقصود آن که دانش‌پژوه در هر امری که مربوط به کتاب و کتابخانه بوده خود را به

**نکته مهم دیگر تنوع اطلاعات و جامعیت اوست که در میان معاصران کمتر نظیر دارد. مخصوصاً تبحر و تسلط او در زمینه علوم و معارف اسلامی (فلسفه، کلام و عقاید، فقه و علوم) که متکی است به تحصیلات محکم قدیم و نیز استمرار مطالعه در کتب آن علوم موجب شده است که بتواند کتب و متون متعددی در اغلب مواضع و معارف اسلامی به چاپ برساند**

آب و آتش زده است.

نکته مهم دیگر تنوع اطلاعات و جامعیت اوست که در میان معاصران کمتر نظیر دارد. مخصوصاً تبحر و تسلط او در زمینه علوم و معارف اسلامی (فلسفه، کلام و عقاید، فقه و علوم) که متکی است به تحصیلات محکم قدیم و نیز استمرار مطالعه در کتب آن علوم موجب شده است که بتواند کتب و متون متعددی در اغلب مواضع و معارف اسلامی به چاپ برساند. فهرست آثارش که همراه سرگذشتش به طبع رسیده است دلیل قدر بلند و پایگاه عالی مراتب علمی و تحقیقاتی اوست که به عرض رسید.

خصوصیت دیگر دانش‌پژوه قدرت و بردباری عجیب اوست در کار و مداومت در آن. چندان که با وجود سختیها و گرفتاریهایی که در زندگی داشت و ضمن آنکه توانست چهار فرزند برومند خود را چنان ببالد که هرچهار به مراحل عالی علمی برسند، تاکنون بیش از ده هزار صفحه متن قدیم و بیست هزار صفحه فهرست و پنج هزار صفحه مقاله به چاپ رسانیده است یعنی رقمی نزدیک به چهل هزار صفحه، و به حساب دیگر صد جلد کتاب چهارصد صفحه‌ای.

یکی از خدماتهای بزرگ دانش‌پژوه که نباید فراموش شود اهتمامی است که در تشکیل مجموعه میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی کرده است، اعم از انتخاب نسخی که اصل آنها در خارج ایران است و عکس بسیاری از آنها به سفارش و سلیقه او تهیه شده است یا نسخی که از مجموعه‌های خصوصی و کتابخانه‌های شهرستانها

عکسبرداری گردیده است. جز این برای این میکروفیلمها که تعداد آنها نزدیک به پنج هزار است تاکنون دو جلد فهرست منتشر کرده است.

باید پذیرفت که سرانجام دادن این همه کار منحصرأ مربوط به ادای وظیفه اداری و تعهد نسبت به قرارداد و کسب وسایل معیشت نبوده است. فقط عشق و شوق باطنی است که چنین توفیقی را عاید دانش‌پژوه کرده است.

دانش‌پژوه برخلاف اغلب بزرگان فضل و ادب که حال و حوصله کار مشترک ندارند دارای روح همکاری علمی است و از وقتی که با هم‌دوره‌های معقول و منقول خود به نگارش و نشر مجله جلوه آغاز کرد (سال ۱۳۲۳) و بعداً آن رویه را در انتشار نشریه دانشنامه ادامه داد، همیشه در انتشار مجلات تحقیقی دلبستگی نشان داده است. او یکی از پنج نفری است که مجله فرهنگ ایران زمین را به مدت بیست و یک سال بی‌توقف انتشار داده‌اند و همکاری دانش‌پژوه در آن میان بسیار ارزنده بوده است. همچنین از همکاران پایمرد و استوار در ادامه انتشار راهنمای کتاب بوده است.

یکی از نمونه‌های عالی همکاری دانش‌پژوه که ضمناً از فعالیت‌های مهم و سودمند او باید شمرده شود تأسیس و اهتمام در انتشار نشریه‌ای است که هر دو سه سال یکبار به نام نسخه‌های خطی در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به چاپ می‌رسد و حاوی فهرست نسخ خطی مربوط به کتابخانه‌های شهرستانها و مجموعه‌های خصوصی است.

همچنین سزاوار است که از اقدام و اهتمام دیگرش یاد کرد و آن نشر سه مجلد فهرستی است که برای کتابخانه شهرهای مشهد و همدان و رشت و اصفهان زیر نظر او و به کمک مالی انجمن آثار ملی به چاپ رسیده است.

بنده بیش از این مصدع نمی‌شوم. شرمندهم از دانش‌پژوه که مطالبی خودمانی از زمره آنچه غالباً در مجالس دوستانه میان ما می‌گذرد در حق او گفتم، نه آنچه مرسوم مجالس تجلیل دانشگاهی است و شاید حضار محترم این مجلس هم چنان می‌پسندند! خودم خوب می‌دانم که حق مطلب درباره فضایل او ادا نشده است.

پانوش:

۱- راهنمای کتاب، سال ۱۸ (۱۳۵۴) شماره ۹-۷  
۲- به فهرست کارهای مربوط به فهرست‌نویسی او مندرج در مجله راهنمای کتاب، سال هجدهم مراجعه شود.